شماره (۱)　　　سال پنجم

جای اداره
شیراز، مدرسه ناظمیه - مدیر و سردبیر سیاسی
م. ح استخر - عنوان: شیراز - استخر
پنجشنبه ۸ شعبان ۱۳۴۱
۱۶ حمل ۱۳۰۱

نمره تلفون ۵۲

۱۲۹۷

استخر

هفتگی　سال (۵)　شماره (۱)

قیمت پس از ۳ شماره گرفته میشود
شیراز سالیانه ۴۰ قران ۶ ماهه ۲۵ قران
داخله ۴۵ قران خارجه ۵۰ قران
قیمت اعلانات و مکاتیب
صفحه اول سطری ۳ قران صفحه ۲ و ۳ سطری دو قران

آغاز سال پنجم

بنام آفریننده لوح و قلم

رب اشرح صدری و یسّر لی امری واحلل عقدة من لسانی یفقهوا قولی

بیاری یزدان پاک و همت اولیای حق و توجهات حضرت امام عصر عجل الله تعالی فرجه چهارمین سال جریده ملی استخر را بپایان رسانیدیم و اینک میرویم که داخل مرحله پنجم شویم. هیچ حاجتی نداریم که شرحی از شهامت و متانت و پاکدامنی و حق نویسی و حقیقت گوئی خود بطوریکه در فن روزنامه نگاری معمول شده و در سر هر سال جدید مضامینی از این مقوله تلفیق میشود اظهار کنیم. و نیز خود را مستغنی از آن میدانیم که بگوئیم در برابر حملات طاقت فرسا و محیط مسموم و لشکر جهل و اوضاع ناهنجار مقاومت نمودیم و برای ادای وظیفه فداکاری کردیم خیر هیچ محتاج باین خودستائیها و شنامه خوانیها نیستیم. نگارشات ما همان است که همه دیده اند و ملک ما همین است که همه از آن آشنا هستند. برخلاف قالب ریختن این الفاظ کرده مندرس که از بس تکرار شده دیگر از شنیدن امثال آن نفرت پیدا کرده. نمیگوئیم شهامت داریم یا که ما شجاعیم جرئت حقیقت نیستیم مانند گفتار روزنامهای مساف نشینیا در مقابل هیچ حمله مقاومت نداریم برای یک اثر

وظایف خود را انجام نمیدهیم سراپا غرضیم همه منفعت پرستیم همه طالب شهرت و مقامیم از عالم فداکاری بوئی بمشام ما نخورده از دفتر جان فشانی و از خودگذشتگی نقطه نخوانده ایم این الفاظ و عبارات مقدسه را ما ملوث کرده ایم این مقالات بزرگوارانه شرافتمندانه را ما ننگین ساخته ایم و خوب است که واقعاً از این پیرایه ها و تعریفات که بقامت نارسای ما منصبی ناموزون است خجالت بکشیم.

همه از محیط شکایت داریم. ای بدبخت این محیط!! اگر این محیط بیچاره زبانی داشت از دست ما فریاد و شکایت بفلک رسیده بود از کدام محیط بنالیم! این محیط محیطی است که جنبه و شیاطین مثل محیط برمن و شیطانی و از گند محاط است که این محیط این همه متعفن و مسموم شده

همه براین محیط لعنت و نفرین میکنیم همه محیط را مقصر میدانیم عیناً شعرای لاابالی قدیم را میمانیم که هر وقت گرسنه میگردند و از هرزه خواری خوان دیگران محروم میشدند

چرخ کج رفتار و روزگار بدکردار را بافحش و دشنام میادیدند و انتقام بیکاری و مفتخواری و گرسنگی خود را از محیط بیچاره بشیوه میکشیدند نسیم محیط بر جیفه و مردار و مزبله متعفن گردیده و غیر قابل استنشاق است تقصیر بر نسیم نیست جیفه و مردار و مزبله را بردارید و بجای آن گل و ریحان بگذارید تا نسیم معطر شود

یک نفر مصلح از میانه یک ملت قد علم میکند فاسد را اصلاح میکند و بقول ما محیط را تغییر میدهد جامعه ایرانی با داشتن این همه مدعیان اصلاح در حیرتیم که چرا اصلاح نمیشود اگر این همه اوراق مشکی در روزنامه حق گو و حقیقت جو هستند این حق و حقیقت کدام عنقای بی نام و نشان است که پس از هفده سال در این مملکت پیدا نشده است اگر ملت ایران این همه فدا کار و جان نثار دارد چرا روی آسایش و راحت نمی بیند — همه میگوئیم طرفدار رنجبر و حامی کارگریم بدبخت رنجبر و کارگر در میدان کشاکش این الفاظ و دعاوی بیجای ما پایمال شده و شهید شده — همه میگوئیم طرفدار آزادی هستیم و باید آزاد باشیم ولی آزادی دیگری را محترم نمیشماریم و برای اندک غرضی آبرو و حیثیات دیگری را بباد میدهیم — ما گاهی نه از روی حقیقت و عقیده بلکه برای تقلید و عوام فریبی خود را بمسلک اشتراکیت و یا ملیت قلمداد میکنیم و تو او اسم رنگرانی میخواهیم در جهان حال

برای جلب خاطر فلان حضرت اشرف وسائل میانگیزیم و بتقرب او افتخار میکنیم ما که بگفته مدیر رعد زندگانی درخشان میخواهیم - ما که میخواهیم اتومبیل شخصی داشته باشیم - ما که میخواهیم پیدک بکشیم ما که میخواهیم وسائل راحت و فراغت خاطرمان از هر جهت مرتب باشد — ما نمیتوانیم فداکار باشیم و ادعای طرفداری رنجبر بکنیم و خود را نقطه مقابل اشرافیت قرار دهیم. برای نمونه زوایه یکنفر روزنامه نگار ایرلندی را از مجله شریفه (بهار) شماره ۵ (۶) در اینجا نقل میکنیم تا معلوم شود وظیفه روزنامه نویس حقیقت گو چیست و فداکار در راه ملت و استقلال کیست —

روزنامه (ایرلند متحد) بطوریکه در مبادی و معانی مسلک جمعیت (سین فین) بحث کرده و هیچ نکته را ناگفته نگذاشته.

نویسنده این روزنامه بهموطنان خویش میگفت — برای نیل باستقلال از تحمل مشقات بیم نکنید. از سلطه سیاست انگلیس بترسید نمایندگان بپارلمان لندن نفرستید. از دادن خراج بخزانه بریتانیا و مواجه تعقیبات محاکم آن امتناع نمائید. از تقلید انگلیسها در اخلاق و آداب و تربیت محترز باشید. در نظم و نثر و در سیاست پیرو انگلیس نشوید بگذارید مملکت مستقل و قائم بالذات بوده است خود تاریخ بنویسید

ایرلند آزاد بدون انگلیس

نویسنده این روزنامه که با مقالات مؤثر خویش افکار خفته را بیدار میکرد و بکار میانداخت جوانی بود موسوم به (آرترگری فیس) اداره روزنامه (ایرلند متحد) را در یکی از خیابانهای متروک دوبلن دائر کرده روزگارش در نهایت تنگدستی میگذشت. سیاحی فرانسوی میگوید:- اداره این روزنامه حجره بود تاریک و محقر که تنها از یک دریچه روشنائی میگرفت و چند صندلی کهنه و مقدار اسباب کار پراکنده و خاک در آنجا دیده میشد »

این است تجمل و اسباب ظاهری یکنفر نویسنده و این است معنی فداکاری و طرفداری استقلال — از اطراف مقامات معنوی و شرافت این آرترگری فیس در میان ملت ایرلند بحدی بود که در مجله مز بوره مینویسد :- (گری فیس) و (دوالرا) (رئیس جمهور ایرلند) نقطه اتکاء و استناد عموم و مرکز جریان اعمال و حرکات بودند . اگر کسی خالات (ارات) همان شخص بدقیافه خطرناک را که ملقب بدوست ملت بود در تاریخ انقلاب بزرگ فرانسه خوانده و دیده باشد میداند که حامی رنجبر کیست و برضد اشراف و رژیم اشرافیت و صنوف ممتازه چگونه باید قیام کرد و چه اشخاصی با چه صفات باید پیش آهنگان این مقاصد بزرگ باشند — در ایران لفاظی و قوالی و حماسه خوانی باعلی درجه رسیده وطنخواهی و طرفداری رنجبر که مختص افراد ممتازه عالم است از گفتگوهای عادی و شبانه روزی مجالس و محافل ما است اگر با این دو صد گفتار نیم جو کردار همراه بود ایران بایستی لااقل در مدت هفده سال بپایه ترقی بلژیک رسیده باشد . نهایت این است که حرف جزء هوا میشود حسن و قبح آن تاثیری در اخلاق جامعه ندارد ولی افکار و احساسات صاحبان قلم ثبت دفتر ایام میشود و لایزال در عالم میماند — ما بی اندازه مایلیم که مطبوعات ما روز افزون و در ترقی باشند و وظائف مقرره جریده نگاری را انجام داده شود امیک که صدای اصلاح مطبوعات از مرکز بلند شده و اگر نویسندگان معظم ما پی تجدید حدود و اجراء قانون مطبوعات و طرفداری وضع بهتر اشخاص علما و اخلاقاً برای مقام نویسندگی هستند و از پارلمان و دولت تقاضای تاسیس محکمه مطبوعات را نموده اند ما انتظار داریم اگر موفقیت حاصل شود عالم مطبوعات تجدید حیاتی کند و از تنگنای فقر علمی و اخلاقی خلاص گردد و مدارج عالیه را سیر نماید .

اخبار هندوستان

موثقی بما مینویسد

در هند این اوقات شورش و انقلاب قدری کمتر است بواسطه اینکه مهاتما گندی اعلان کرده بود که طاقت حکومت در بعضی مواد محدود بکنند — مثل اینکه مالیات در بعضی نقاط بحکومت نمیدادند و حاضر هم بودند برای هر گونه فشار — در یکی از نقاط هند دو لک و هشتاد هزار روپیه مالیات دادنی بودند هشتاد هزار روپیه را پرداخته باقی را هر قدر حکومت میکرد نتوانست بگیرد هر روز هم صدها نفر بحبس میرفتند و احرار در هر گوشه و کنار مشغول تحریک و وظائف خودشان بودند نظر بمقدمه پنجاب که بتازگی واقع شد و تقریباً متجاوز از بیست نفر پلیس کشته شد — مهاتما گندی این مسئله را منافی با مسلک خود دانسته برای چندی این اعلان را نسخ و فوراً حکم داد که همه مالیات بپردازند و اطاعت کنند در حقیقت گندی میخواهد هند را آماده و تربیت کند برای موقع مقتضی والا خود مهاتما گندی میداند که هنوز هندیها قابل خودمختاری نیستند و باین زودیها هم خودمختاری را نائل نخواهند شد اگر چه بشاغل خیلی پیشرفته اند و خیلی از مردمان هند زمام امور سیاسی را بدست دارند در بعضی نقاط حکومت شهر یعنی حاکم هندی است وزیر هند هندی است انجمن ایالتی در هر حوزه ایالتی اغلبیت با هندی است اینطوری که انگلیسها بچشم حقارت بهندیها نگاه میکردند حالا نمیتوانند نگاه کنند مهاتما گندی نقشه سیاست هند را اینطور در روزنامه جات میکشند هندیها را کشیده یک طرف هند هندو است که زمام داران امور انگلیسی هستند از قبیل لارد کرزن و غیره و در جرگه دیگر شش بیست مهاتما گندی و محمدعلی شوکتعلی و سایر لیدرها که هند است و دارند هر دو طرف میکشند تا بعد ببینیم کدام طرف غلبه خواهند کرد و من میخواهم عرض کنم که هندیها مغلوب خواهند شد در این کشمکش سیاسی اگرچه هندیها دارای یکزبان و یک اخلاق و یک مسلک و مذهب نیستند و آن ذکاوت ذاتی را هم ندارند و خیلی هم هندی جبان است خاصه در جنوب هند و هیچ وقت هم در تاریخ نشان نداده که اینها استقلال داشته باشند طلا و نقره هم در هند مبدل شده تمام بکاغذ در حقیقت هند امروز خیلی فقیر و بی بضاعت است اهالی هند همه فقیرند دولت هند مقروض است دولت انگلیس هم هنوز دارد اینها را میدوشد ملاحظه فرمائید در یکسال قبل عموی پادشاه انگلستان آمد بهند و تمام شهرهای هند را گردش کرد علاوه بر جواهرات و هدایای شایان چقدر مردم متضرر پذیرائی او شدند امساله ولیعهد انگلستان پسر پادشاه آمد و در تمام نقاط هند گردش میکند و عجالتاً در کشمیر است در هر شهری که وارد میشود لکوکها مخارج پذیرائی ولیعهد میشود معلوم است بعد از این که مراجعت کرد چه چیزها و جواهرهای گرانبها با خود خواهد برد — هندیها که نفسشان قطع شده بود در این جنگ چند ساله بعضی ها خودشان را گرفتند و ثروتی پیدا کردند و رمقی در آنها پیدا شد بعد از جنگ بانواع نیرنگ ها این ثروت را گرفتند و خواهند گرفت بر مالیات افزودند مالیات غیرمستقیم قرار دادند حالا هم تازه در روزنامه میخوانیم قریب چهل کرور از بودجه هند کسر آمده حالا مالیات سنگین روی نمک و خطوط آهن و پست و غیره بسته اند و علاوه در کلکته بعضی نقاط دیگر که از اشخاصی که میروند تماشا مثل سینما و تاتر و غیره مالیات میگیرند مسلم است باز هم جای چهل کرور پر نمیشود و ناچار دولت انگلیس از لندن قرض میدهد بحکومت هند بعد از چند سال خواهید دید که حکومت هند از بابت اصل و فرع تا گردنش زیر بار قرض انگلیس است دیگر راه چاره برای هندی هست ؟ بلی فقط یک امیدواری از برای هندی هست که دارای یک نفر لیدر مثل مهاتما گندی هستند که تعبر کیانی ها مینویسد (بزرگترین مرد دنیا) که هیچکس جسته است او بمخالفت و موافقت و مذاهب مختلفه

این یکنفر با هستند و بتوانند بگوید که خطا رفته و پشتی با آن بزرگی است از برای اهالی هند آخر ما حفظ کننده گی توپ و تفنگ و قشونی که ندارد یک نفر هندو است چرا تاکنون گرفتار نشده نتوانسته اند خطائی براو بگیرند با اینکه راه مالی میکند هندیها را در تمام امورات حکم گندی محض مثل عرض میکنم مثل حکم [illegible] است — از جمله اخبار راجع بایران — روزنامه هند مینویسد :- لندن ۳۴ فروری . در نیویورک در این زمینه هستند که کمپانی نفط انگلیس و کمپانی نفط امریکائی در ایران باهم شرکت کنند و اگر این نقشه که در آن هستند تمام شود و همین طور هم منظر میاید هر یک از دو کمپانی سرمایه مساوی حاضر خواهند کرد و مشغول خواهند شد و انتظار میرود بزودی زود این نقشه تمام شود و فوراً عده اشخاص عالم بعلم زمین شناسی تجهیز کنند برای سرکشی به نقاط نفط پیش از اشتغال بکار

۲۱ فروری — خوم رای محمدعلی در گردش است رم رای محمدعلی از صورت برج (برج و صورت هر دو نام دو شهرت در هند) که باستقبال شایانی تعجیل آمد با یک طمطراق و جلالی از این شهر عبور کرد در صورتیکه عده نظامی از جلو و عقب سرود ملی میخواندند و بازارها و کوچه ها مثل ایام عید زینت داده شده بود در آن روز هر نقطه از آن شهر مجلس ها ی نطق از زنها ترتیب داده شده بعد از آن خودش در جائی که بالغ بر پنجهزار جمعیت بود نطق مفصلی راجع به نصیحت و راهنمائی مردم برای رسیدن بمطلوب و تاکید بر اتحاد مسلمان و هندو و تحصیلات قومی در روز ۲۲ باز نطقی مفصلی داد و برای احمدآباد حرکت کرد — چند روز قبل هم خودم از جمله اشخاص بالغ بر ۷ هزار نفری بودم که در مدرس نطق یکی از زنهای احرار را که اسمش در گوشم است شنیدم و هیچوقت فراموش نمیکنم چنین نطقی را که آن زن بزبان انگلیسی داد که نفس در سینه های مردم گره گیر شده بود همه از مرد و زن سراپا گوش شده بودند بلی حال هند این قبیل زنها تربیت میکند تا چه رسد بمردان

خبر تازه — روزنامه [illegible] کلکته مینویسد — دختری کمال تب اناث دلستنجی فرستاده و عقب دکتر آمد با میزان الحراره تب را اندازه گرد [illegible] زیاده صد و چهارده درجه فارنهایت است یقین کرد که میزان الحراره غلط است میزان الحراره دیگری آوردند باز هم ۱۱۴ درجه بود خیلی تعجب کرد مشغول معالجه شد تا شام نبض بحال طبیعی برگشت صبح روز دوم باز دید همان ۱۱۴ است بسیار متعجب شد این بیمار را تحت دو نتیجه قلب و دست و شعرای معالجه شده آن دختر خورد خورد روز بروز بهبودی گذاشت بطوریکه درجه تب تزاید یافت و حالا آن دختر صحت یافته و میخواهد برود بجای خوش آب و هوائی برای تکمیل صحت و رفع نقاهت

اخبار شهری

۱ — بمناسبت ولادت با سعادت حضرت سیدالشهداء علیه الاف التحیة والثناء در باغ ایالتی روز سوم شعبان مراسم سلام بعمل آمد و ایالت جلیله عظمی در عمارت کاخ با لباس رسمی جلوس فرمودند و تمام روسای ادارات و اعیان و محترمین کشوری و لشکری مراتب تبریک را بعرض رسانیده و چندین تیر توپ شلیک شد

۲ — آقای آقا محمود آقا امیرلشکر جنوب که مدتی در اصفهان برای ترتیب و انتظام ادارات لشکری توقف داشتند و از آنجا عزیمت بکرمان نمودند و منتظر ورودشان بفارس میرفت روز شنبه بعد از ظهر با اتومبیل با دو نفر دیگر از صاحب منصبان محترم که از زوار مسعود کی فرزند ارجمند مرحوم ظل السلطان از میس و دیگری فرزند دلبند آقای حاج محتشم السلطنه هستند وارد شدند و حین ورود اداره قشون را بازدید کردند و از آنجا بمنزل آقای لطفعلی آقا خان رئیس قشون رفتند روز یکشنبه در میدان توپخانه تمام افراد لشکری را با طرز جالب توجهی سان دیدند و همه روزه بدون هیچگونه ملاحظه در حدود ماموریت خود مشغول انجام وظیفه هستند — ما انتظار داریم در نتیجه جدیت و فعالیت شخص قوی الاراده چون آقای سردار سپه وزیر جنگ کنونی روح با شهامت لشکری در ایران تجدید حیات کند و در تحت سرپرستی و مراقبت و وظیفه شناسی مامورین لایق چون آقای امیرلشکر و صاحب منصبان ارتش ایران باستانی یکمرتبه دیگر دوره مجد و عظمت تاریخی را از سر گیرد . این است یگانه آرزوئی که ما ... این است آخرین پایه امیدواری ما

۳ — نظر باینکه بموجب قانون موضوعه بلدیه حکم ریاست بلدیه از طرف ذات مقدس شاهانه بتوسط ایالت عظمی بعنوان آقای میرزا ابوالقاسم خان رئیس محترم اداره بلدیه صادر شده بود عصر شنبه در اداره مزبوره مجمعی مرکب از اعضاء انجمن بلدیه و روسای ادارات و ارباب جرائد و اعیان تشکیل و سپس آقای نایب الایاله تشریف فرما شده و پس از قدری مذاکره معظم له نطقی مبنی بر قدردانی از رئیس بلدیه ایراد فرموده و فرمان همایونی را مرحمت نمودند و آقای امین الواعظین فرمان را قرائت کردند و شرحی از کفایت و لیاقت آقای رئیس بلدیه در رضایت عموم از ایشان اظهار داشتند و مساعدت آقای نایب الایاله را در پیشرفت امور بلدیه جلب نمودند و تقاضا نمودند که صندلی و اسبابی که از اهل بازار در معبر عمومی گذارده شده و زحمت عابرین را فراهم ساخته برداشته و موقوف شود و پیشنهادی راجع بترتیب سنگ اوزان نمودند . مجلس نیم ساعت بغروب خاتمه یافت .

ما آقای رئیس قانونی بلدیه را باین فرمان شاهانه تبریک میگوئیم و انتظار داریم این توجه خاص ملوکانه و مراحم ایالت عظمی و مساعدت آقای نایب الایاله موجب دلگرمی و تشویق ایشان شده و وظائف مقرره را بیش از پیش انجام دهند (۴) از قرار تلگراف مرکز آقای مستشار السلطنه از ریاست دوائر ثلاث و مالیات غیرمستقیم منفصل و در تحت نظر و ریاست آقای پیشکار مالیه قرار داده شده و چند نفر برای عضویت و اداره کردن آن از مرکز فرستاده اند که یکی دو نفر از انها وارد شده اند — اتصال و انفصال بدون مدرک مستخدمین دولتی واقعاً موجب حیرت و تعجب است و حیثیت دولت باندازه یک نفر آدم عادی و قعی بحفظ و تصمیمات خود نمیخواهد بگذارد . بدون سبب منصوب میکند بدون جهت معزول میکند سابقه خدمت صحت عمل علم و اطلاع جدیت در کار آیا کدام یک از اینها یا اضداد اینها میزان نصب و عزل است ؟ هیچکدام .

این رویه است که روز ایجاد میکند و مستخدمین ادارات را وادار بدزدی و تقلب مینماید زیرا هیچ سند یا شیئی اطمینان بفردای خود ندارد و تا زمانیکه قانون استخدام وضع نشود و نظریات و تمایلات وزرا و روسای کل یا واسطه و وسیله و سفارش و قرابت مدرک دخول در مشاغل و ادارات ما و یا صلاح نخواهد رفت و هر کس دو روز روی صندلی نشسته چون هیچ اطمینان بمقام خود ندارد ناچار است تا میتواند اختلاس و حساب سازی کند و در تهیه خود و آتیه خود … نماید — این بد بختی بیشتر متوجه بایالات ولایات است که رویه مرد ناشی از بیکاری ها جرات نمیکند … از تهران بیکار … مدتی از مرکز فارغ … خارج از کار بیکار …

مکتوب از بوانات

حضور مبارک جناب مستطاب اجل مدیر روشن ضمیر جریده فریده استخر [illegible]
عرض و استدعای اهالی سوریان بوانات اینکه دو سال بود مدرسه ترتیب بوانات از طرف اداره محترم معارف برقرار بود و سالی مبلغ دویست و چهل تومان از بابت وجه معارف بوانات بجهه مدرسه این اهالی مرحمت میفرمودند و جناب آقای میرزا اسدالله خان مدرسه در سوریان تشکیل داده بودند و اطفال این اهالی مشغول تحصیل بود و مبالغهای کلی مخارج نمودیم تا اینکه مدرسه را منظم و با کمال دلگرمی از مساعدت اداره محترم معارف جزئی تحصیلی اطفال ما بیچارگان نمودند و امیدوار بودیم که این کار همیشه برقرار خواهد بود تا اینکه در هذه السنه وجه دویست و چهل تومان از طرف اداره محترم نرسید و مدیر مدرسه بوانات خورده خورده بواسطه نرسیدن وجه خود را از مدرسه خارج نمود و اهالی هم قوه نداشتند بدون وجه معارف از عهده مدرسه برآیند یعنی وجهی هم که میدادند بمخارج عملجات مدرسه و مواجب مدیر اکتفا نمی‌نمود جناب آقای میرزا اسدالله خان حرکت بشیراز نمودند اطفال هم هر روز در مدرسه مشغول تحصیل هستند ولی بدون مدیر و انتظام مدرسه امکان ندارد که اطفال ما بیچارگان ترقی و تحصیلی حاصل نمایند لاعلاج هستیم عریضه حال خود را حضور مبارک بنمائیم که عموم قاطبه اهل فارس از حال ما بیچارگان مطلع باشند که خدا را خوش نمی‌آید بعد از این همه صدمه و زحمت و مخارج کلی مدرسه این اهالی منحل شود مبالغهای کلی مخارج مدرسه نمودیم و اسباب مدرسه را تهیه دادیم مبالغی مواجب مدیر داده ایم اطفال بیچاره شب و روز در صدمه و زحمت تا اینکه جزئی تحصیل را نموده بودند از انصاف و عدالت امناء دولت خارج است که مدرسه ما بیچارگان از میان برود مستدعی از حضور مبارک داریم شرح حالات ما بیچارگان را در روزنامه جات درج فرمائید که بلکه از مرحمت حضرت والی وجه معارف را حواله بفرمایند که آقای [illegible] دلخان با اهالی در سوریان وجه معارف را تحویل بگیرند و [illegible] کما فی السابق جناب میرزا اسدالله خان یا یکنفر دیگر بهتر از او که خود آقای رئیس معارف به پسندند و صلاح بدانند که از همه علمی با بهره باشند بزودی بفرستند و مواجب مدیر را هم معین فرمایند اداره محترم معارف [illegible] نوع پرست و وطن پرست باید لازمه همراهی را درباره ما بفرمایند و هر قدر هم از مواجب و مخارج مدرسه از وجه دویست و چهل تومان معارف کسر باید خود این اهالی اطاعت نمائیم که بلکه از مرحمت مجدانه حضرتعالی و امناء دولت مدرسه ما بیچارگان از میان نرود و خیر دنیا و آخرت بجهه باعث و بانی داشته باشد یقین داریم کمال مرحمت را درباره ما بیچارگان خواهید فرمود که بعد از اینهمه مخارج و زحمت این جزئی تحصیل اطفال ما بیچارگان ضایع نشود زیاده عرضی ندارم

(مهر ۳۷ نفرات علما و خوانین و محترمین بوانات)

دو تلگراف از آباده

نمره ۲۲ — ۷ حمل

(۱)

توسط آقای میرزا علی حکیم روز ساحت مقدس آیت الله آقای آقا شیخ مرتضی کمیته آقای ابوالاحرار حکیم رابطه کمیته توسط آقای حاج عبدالحسین خیاط هیئت اتحادیه اسلام آقای حیات کمیته آقای معین الاسلام بهبهانی کمیته استخر کمیته گلستان کمیته عصر آزادی کمیته عدالت تبریکات صمیمانه عید تقدیم و با قلبی ساده تبدیل اختلافات و دودستگی را در نتیجه سعی و مجاهدت آن آقایان محترم بیک اتحاد کامل معنوی برای رضای خدا و رفاه عموم ملت فارس خصوصاً آباده درخواست و مسئلت مینمائیم زیرا اشخاصی که بمقصود نائل نشده برای گرفتن نتیجه از این طریق در مقام ایجاد دودستگی در آباده نیز میباشند از طرف هیئت ناظره نمایندگان فرقه دموکرات آباده

(پورحمزه)

(۲)

نمره ۱۳۱ — ۱۱ حمل

آستان مقدس ایالت عظمی روزنامه [illegible] کمیته توسط آقای حاج عبدالحسین هیئت اتحاد اسلام کمیته آقای حکیم رابط کمیته متحده ایالتی فارس کمیته توسط آقای سید جواد خراز کمیته مقدس شیراز کمیته استخر کمیته عصر آزادی کمیته [illegible] کمیته [illegible] فرقه دمکرات آباده [illegible]

معذرت

نظر بگرفتاری این چند روزه و عید و بازدیدهای ایام عید انتشار روزنامه از روز معمولی در این دو هفته تاخیر افتاد امید است از هفته آتیه مرتباً انتشار یابد

نمونه از وطنخواهی ترکها

مطبوعات خارجه

روزنامه نگار معروف احمد آغا اوف بک پس از اینکه قسمت بزرگی از اناطولی و ولایات شرقی را سیاحت کرد بانقره مراجعت نمود و این شخص است که اداره مطبوعات حکومت انقره در تحت نظر و مباشرت اوست . در ضمن ملاقاتی با یکی از همکاران مراتب ذیل را اظهار داشته است : ملت ترکیه بدون استثناء تمام افرادش امروز هیچ فکری ندارد جز اینکه میخواهد دشمن را از خاک خودش برون کند . ملت ترک برای اجراء این مقصود از همه چیز خواهد گذشت و هر پیش آمدی را تحمل خواهد کرد . ملت ترک فرزندان و پدران و رجال خود را بفرونت جنگ اعزام نماید و فقط زنها و پیره مردها هستند که انتظام وسائل نقلیه در آهن و تدارک لوازم قشون و مهمات لشکری را عهده دار شده و با نظم و نسق فوق العاده رضایت بخش وظیفه خود را انجام میدهند - اینک یک نمونه از شعور و احساس ملت ترک . در حین ورود به یک قریه با عجوزه تصادف کردم از او پرسیدم - مادر - آیا پسر داری - بلی چهار پسر داشتم ۳ نفر از آنها در جنگ کشته شدند و منتظر خبر شهادت چهارمی هستم - از خدا میخواهم که جنگ تمام شود و او فاتحانه بسوی تو برگردد -- من هیچ در این فکر نیستم بلکه هرگاه کار بر سخت شود و موقع اقتضا کند خودم نیز بمیدان خواهم رفت من نمیخواهم دشمن در خانه ام آشیانه کند

*

روزی بهمراهی سفیر روس موسیو آرالوف پیرمرد دهاتی را ملاقات کردیم باو گفتیم - همدلی عزیزم . آیا عائله و اولاد داری - خیر هیچ ندارم - پس چطور زندگانی میکنی - کار میکنم . آیا از جنگ خوشحالی . خدا از شما راضی باشد از خدا میخواهم که آخرین ضربه خود را بدشمن فرود آرند . برای تو چه اهمیت دارد - چگونه برای من اهمیت ندارد - چون تو نه داری نه اولاد -- بلی ولیکن اگر [illegible] دشمن چیزی از اخبار برای من باقی نمیگذاشت

*

تمام افراد ملت ترک بهمین صورت عقیده هستند . حکومت وطنپرستی از روح ملت زائیده شده لاجرم قوی‌ترین حکومت است و فنا ناپذیر است

(ترجمه الاخبار مطبوعه مصر)

(مطبع برتو)